

باسمه تعالی

محضر جناب حجّة الإسلام و المسلمین شیخ علی چراتیان (دامت برکاته)

سلام علیکم

با توجه به فتوای اخیر آیه الله بیات زنجانی و واکنش مراجع تقلید و علمای حوزه نسبت به این فتوا و با توجه به آشنایی و تسلط جنابعالی بر اقوال علمای متقدم و متأخر و اینکه خود از محققین در این عرصه هستید، خواهشمند است جهت روشن شدن درستی یا نادرستی این فتوا توضیحات لازم را مرقوم فرمایید. ضمناً سخنان آیه الله مکارم شیرازی و حجّة الإسلام دکتر محمد مهدی گرجیان به عنوان نمونه‌ای از واکنش‌ها تقدیم حضور مبارک می‌شود.

با تشکر

جمعی از مؤمنین

۱۳۹۲ / ۴ / ۲۵

سایت خبری فرارو - کد خبر: ۱۵۶۳۱۳ - ۲۴ تیر ۱۳۹۲

یکی از مراجع تقلید شیعیان، با اشاره به طرح یک فتوا در خصوص درستی روزه بعد از نوشیدن آب، این فتوا را خلاف اجماع فقهای اسلام دانست.

به گزارش مهر، آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، بعد از ظهر دوشنبه در جلسه تفسیر قرآن کریم که در ایام ماه مبارک رمضان در شبستان امام خمینی حرم مطهر حضرت معصومه ³ برگزار می‌شود در سخنانی، با اشاره به فتوای جنجالی درباره آب نوشیدن روزه‌داران اظهار داشت: در دهان برخی‌ها انداخته‌اند که وقتی روزه‌دار تشنه شد و تاب و تحمل تشنگی را نداشت، می‌تواند برای رفع تشنگی آب بخورد در حالی که روزه او نیز صحیح است.

وی عنوان کرد: در این صورت کافی است که روزه‌داران کوزه‌ای آب در کنار خود قرار دهند و هرگاه تشنه شدند، برای رفع تشنگی بنوشند! در این صورت باید پرسید اگر کسی روزه‌دار باشد و چند لیوان آب بخورد این چگونه روزه داری است!

استاد برجسته حوزه علمیه قم، با هشدار نسبت به کسانی که چنین فتوایی صادر می‌کنند با بیان اینکه با دین مردم بازی نکنید افزود: در این فتوا استناد به روایتی شده که هم از نظر سند و هم از نظر دلالت زیر سؤال است و اگر هم فرض بر صحت حدیث باشد در میان فقها، احدی چنین فتوایی نداده است و این گفته خلاف اجماع فقهای اسلام است و بالاتر از آن احتمال دارد خلاف ضرورت دین باشد.

وی اظهار داشت: اگر کسی مریض است و نمی‌تواند روزه بگیرد، اسلام به او اجازه داده است تا افطار کند و بعد قضای آن را به جا بیاورد.

آیه الله مکارم شیرازی با بیان اینکه کسانی که این فتوا را می‌دهند باید مراقب گفته‌های خود باشند و بدانند نتیجه حرف هایشان چیست، افزود: ضرورت دین بدان معنا است که کلیه مسلمانان این کار را نادرست می‌دانند.

معاون پژوهشی دانشگاه باقرالعلوم 7 با بیان اینکه، فتوای اخیر بیات زنجانی، خرق اجماع کل علمای عالم اسلام است، گفت: این قول با اجماع مرتب علما در طول تاریخ و اجماع مرتب علما در عصر حاضر مخالفت دارد، لذا این قول هیچ سندیتی ندارد.

به گزارش مهر، حجّة الإسلام بیات زنجانی، چندی پیش در فتوایی تازه، آب نوشیدن را در شرایطی خاصّ برای روزه داران جایز دانست.

در سایت وی آمده است: «با استناد به موثقه عمّار و روایت مفضّل ابن عمر از امام صادق 7 که در باب ۱۶ وسائل الشیعة از ابواب «من یصح منه الصوم» آمده است، کسانی که روزه می گیرند ولی تاب و تحمل تشنگی را ندارند، فقط به اندازه ای که جلوی تشنگی شان را بگیرد می توانند آب بنوشند و در این حالت روزه شان باطل نبوده و قضا هم ندارند.»

در این سایت اشاره شده که: «نظر فقهی معظم له در رساله عملیه به این شکل نبوده و این نظر فقهی جدید ایشان است.» البته حجّة الإسلام بیات زنجانی در پاسخ به یک استفتاء درباره اینکه «آیا فردی که در چنین شرایطی قرار گرفته، می تواند احتیاطاً و از روی استحباب روزه خود را قضا کند؟» پاسخ داده اند: «احتیاط همیشه امری پسندیده است و در فرض سؤال نیز احتیاط مستحبّ آن است که فرد روزه خود را در وقت مقتضی، قضا کند.»

حجّة الإسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام و معاون پژوهشی و فناوری اطلاعات دانشگاه باقرالعلوم 7 در مورد این نظر گفت: این فتوا، خرق اجماع کل علمای عالم اسلام است. اگر قولی در میان اقوال مطرح شود که در طول تاریخ هیچ قولی با او همراهی نکند؛ مثل همین حالتی که اکنون به وجود آمد. به آن خرق اجماع مرتب می گویند، چون نه علمای شیعه و نه علمای سنی تاکنون چنین اظهار نظری نداشتند.

وی افزود: ممکن است کسی بخواهد حرف جدیدی بزند تا دیگران بگویند: او نوپرداز است؛ و معروف شوم، به تعبیر آیه الله فاضل لنکرانی قول مخالف بگو تا معروف شوی، اگر این گونه باشد بحث مبنای دینی ندارد اما اگر بخواهد مبنای دینی داشته باشد این قول با اجماع مرتب علما در طول تاریخ و اجماع مرتب علما در عصر حاضر مخالفت دارد، لذا این قول هیچ سندیتی ندارد و اگر سندیتی داشت در طول تاریخ یکی از علمای شیعه و سنی به چنین قولی قائل می شد.

وی در پاسخ به این سؤال که ایشان در مقدمه این فتوا استناد می کند به حدیثی و بعد نتیجه می گیرد، نظر شما در این ارتباط چیست؟ گفت: بسیاری از فتوهای ناصحیح هم مستند به حدیث است اما چه حدیثی؟ اولاً باید سند حدیث را نگاه کرد. دوم باید دلالت را نگاه کرد؛ یعنی حدیث سنداً و دلالتاً باید مورد تأیید باشد.

گرجیان در ادامه سخنانش اظهار داشت: حدیثی که ایشان مطرح می کند در رابطه با «ذی العطاش» است. ذی العطاش به افرادی می گویند که بیماری تشنگی شدید دارند اگر این افراد چند دقیقه ای آب نخورند می میرند. یعنی اگر هر روز بیست لیتر هم آب بخورد باز احساس تشنگی می کند. ذی العطاش مورد مستثنی است؛ فردی است که بیمار است و همیشه باید آب بنوشد و اگر چند دقیقه ای آب نخورد می میرد. البته ذی العطاش فردی است که هیچ گاه امید سلامتی و خوب شدن ندارد تا در آن زمان روزه بگیرد. نمی توان این حالت را با حالت بیان شده توسط آقای زنجانی مقایسه کرد این همان قیاس ابوحنیفه است که امام صادق 7 در پاسخ او فرمود: این قیاس ابلیس است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(... قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) «سورة بقره، آیه ۱۱۱ و نمل، آیه ۶۴»

علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

نامه دلسوزانه و حاکی از لطف مؤمنین ملاحظه شد. ضمن تشکر از پیگیری برادران و خواهران مؤمن که نشان‌دهنده حساسیت موضوع است، چند سطرى جهت روشن شدن مواضع اخیر، مرقوم می‌شود و سپس مطالبی را جهت توضیح به اختصار شرح خواهم داد.

تذکر: اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود (که برخی از آن به بیماری استسقاء تعبیر کرده‌اند) و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد، در ابتدای امر روزه بر او واجب نیست و ساقط است (این مسأله اجماعی است) و اینکه آیا باید فدیة بدهد یا فقط قضا کند یا باید هر دو را انجام دهد یا نه فدیة واجب است و نه قضا؛ از موضوع بحث خارج است و تفصیل آن در کتب فقهی و فتوایی موجود است. ولی فتوای اخیر متوجه کسانی است که بیماری تشنگی بالذوام ندارند بلکه به علت گرمی هوا و یا هر علتی دیگر تشنگی غیر قابل تحمل بر آنها به طور تصادفی عارض شده است و این یک حکم اختصاصی است برای کسی که مرض تشنگی ندارد. (دقت کنید).

فتوای اخیر اگر چه خلاف مشهور است ولی خلاف اجماع نیست؛ و اگر کمترین تحقیقی بین کتب فتوایی علمای شیعه توسط منتقدین صورت می‌گرفت چنین اظهار نظری به این تندی مطرح نمی‌شد و اگر اطلاع از این فتوا در بین علمای شیعه داشته‌اند و غیر آن را وانمود کرده‌اند، قضاوت آن با مؤمنین است.

چند نمونه از اقوال موافقین فتوای اخیر مرقوم می‌شود:

۱. حسن بن یوسف بن مطهر، معروف به علامه حلّی (متولد ۶۴۸ ق و متوفای ۷۲۶ ق): روی الساباطی عن الصادق 7: «وَقَدْ سَأَلَهُ عَنِ الصَّائِمِ يُصِيبُهُ عَطَشٌ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ قَالَ يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرُوى.» و هي جيّدة، و الأقرب عدم وجوب القضاء.

و لو شرب زيادة على ما يمسك به الرمي، وجب القضاء و الكفارة. (حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (طبع جدید)، ۶ جلدی، مؤسسه امام صادق 7، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ ه ق، ج ۱، ص ۴۸۰، مسأله ۱۶۶۵)

و در منتهی المطلب في تحقيق المذهب (از دیگر کتب استدلالی علامه حلّی)، ج ۹، ص ۱۳۹ آمده است:

و الرواية مناسبة للمذهب، لأنّه في محلّ الضرورة.

إذا ثبت هذا، فهل يجب عليه القضاء أم لا؟ الوجه عدم الوجوب؛ لأنّه إذا شرب بقدر ما يمسك رمقه مخافة التلف، كان بمنزلة المكروه. و لأنّ التكليف يسقط حينئذ و لا يجوز له التعدي، فلو شرب زيادة على ذلك، وجب عليه القضاء و الكفارة. (حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب في تحقيق المذهب، ۱۵ جلدی، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد - ایران، اول، ۱۴۱۲ ه ق)

* توضیح: همانطور که ملاحظه فرمودید علامه حلّی قائل به عدم قضا است اگر فقط به قدر ضرورت بنوشد، ولی اگر بیش از آن بیاشامد قائل به وجوب قضا و کفاره است.

۲، ۳، ۴ و ۵. محمد بهاء‌الدین عاملی، معروف به شیخ بهائی «متوّلد ۹۵۳ ق و متوفای ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ق»: اگر تشنگی یا گرسنگی بر شخصی غالب شود، چنانچه تحمل نتواند کرد، در آن وقت بخورد اما زیاده بر آنچه دفع مضرت کند نخورد [۱] و بر او واجب است [۲] که لقمه را بزرگ کند و همچنین جرعه آب را، که مدت خوردن و آشامیدن دراز نشود. (جامع عباسی «رسالة عملیه شیخ بهائی»، همراه با حواشی هشت تن از فقهاء، در يك جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶، ص ۲۷۰ و ۲۷۱)

[۱] وجوب اقتصار بر قدر ضرورت معلوم نیست بلکه احوط است. (تویسرکانی)

لزوم آن معلوم نیست. (صدر)

[۲] واجب نیست بلکه جایز است از برای او زیاده بر آنچه دفع مضرت کند بخورد بنا بر اقوی، اگرچه مکروه است سیر خوردن بلکه احوط ترك است. (خراسانی)

معلوم نیست. (صدر)

* توضیح: شیخ بهائی اشاره‌ای به قضای روزه نکرده است و آیات عظام تویسرکانی و آخوند خراسانی و صدر نیز متعزّض آن نشده‌اند و این غیر از مسأله صفحه ۲۸۷ همین کتاب است که روزه بر شخصی که تشنگی بر او غالب است و نمی‌تواند روزه بگیرد را صحیح ندانسته است.

* شیخ حسینعلی تویسرکانی (متوفای ۱۲۸۶ ق)، شاگرد شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه بر معالم که خود نیز حاشیه بر قوانین دارد، و از آثار وی کشف الأسرار در شرح شرایع در یازده مجلد است.

* شیخ محمد کاظم هروی، معروف به «آخوند خراسانی» (متوّلد ۱۲۵۵ ق و متوفای ۱۳۲۹ ق)، شاگرد برجسته مرحوم شیخ انصاری و مرحوم میرزای شیرازی.

* سید اسماعیل صدر موسوی (متوّلد ۱۲۵۸ ق و متوفای ۱۳۳۸ ق)، شاگرد مرحوم میرزای شیرازی.

۶. آیه الله العظمی صادقی تهرانی (متوّلد ۱۳۰۵ و متوفای ۱۳۹۰ ش): اگر در اثر بیماری ویژه‌ای و یا گرمی استثنایی هوا فقط نیازمند به آشامیدن آب است که تنها نیاشامیدن آب برای این بیماری ویژه زیان‌آور و یا تنها طاقت‌فرسا است، فقط به اندازه ضرورت می‌تواند آب بیاشامد و روزه‌اش درست است و قضا ندارد. (رسال توضیح المسائل نوین، مسأله ۴۱۶)

۷. آیه الله سبحانی: اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که برای او تحمل تشنگی موجب عُسر و حَزَج است، می‌تواند به اندازه‌ای که رفع مشقت کند، آب بیاشامد و روزه او باطل نمی‌شود. (رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۴۹۹ و در برخی از چاپها مسأله ۱۲۵۶) و این غیر از حکم مسأله ۱۶۳۶ - در برخی چاپها مسأله ۱۳۸۱ - است؛ یعنی کسی که مرض تشنگی دارد، روزه بر او واجب نیست.

۸. آیه الله صانعی: اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، می‌تواند به اندازه‌ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد، و روزه او صحیح است. (رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۵۶۰) و این غیر از حکم مسأله ۱۷۰۴ است؛ یعنی انسان بیماری‌ای دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد که در این صورت روزه بر او واجب نیست.

* برخی فقها به «احتیاط واجب» روزه را - در این شرایط خاص - با آشامیدن آب باطل می‌دانند و قائل به قضا هستند؛ یعنی فتوا نداده‌اند و این خود دلیل است بر اینکه بر خلاف ادعای اظهار شده جزء مسلّمات فقهی و از ضروریات و مسائل بیّن نبوده است. همچنین برخی دیگر نیز حکم این مسأله را با تفصیل خاصی بیان نموده‌اند که ذیلاً مرقوم می‌شود.

۱. آیه الله سید محمد سعید طباطبایی حکیم: اگر بر روزه دار عطش غلبه کند و بترسد که در صورت تحمل تشنگی خطر جانی به او برسد، می تواند به مقدار رفع خطر آب بخورد و روزه اش صحیح است، ولی اگر عمداً بیش از رفع خطر بخورد روزه اش باطل می شود و قضا و کفاره بر او واجب می شود. اگر تشنگی بر روزه دار غلبه کند، ولی ترس از خطر جانی نباشد، بلکه فقط تحمل آن موجب مشقت باشد، می تواند در حد رفع مشقت آب بخورد و روزه اش را ادامه دهد و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را نیز بگیرد. (رسالة احکام فقهی، ج ۱، مسأله ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸) و این غیر از حکم مسأله ۱۳۵۸ است که ایشان تحت عنوان «ذو العطاش» بیان فرموده اند.

۲. آیه الله محمد آصف محسنی: الصائم إذا عطش اتفاقاً حتى خاف على نفسه، جاز له الشرب بمقدار الضرورة، و لا يشرب حتى يروى كما في موثقة عمّار، و يجب عليه الإمساك بقية النهار. و أما وجوب قضاء هذا اليوم كما أفتوا به ففيه بحث. و أما من به داء العطش فهو كسائر المرضى غير مكلف بالصوم. (قندهاری، محمد آصف محسنی، الفقه و مسائل طبیة ج ۱، ص ۴۳۳، دوره ۲ جلدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه ق)

۳. آیه الله گرامی: اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد یا ضرر غیر قابل تحمل به او برسد، واجب است به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی به احتیاط واجب روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید و قضای آن را هم بگیرد. (رسالة توضیح المسائل، مسأله ۱۶۶۰) و این غیر از حکم مسأله ۱۸۰۶ است که معظم له تحت عنوان «بیماری استسقاء» بیان فرموده اند.

۴. آیه الله مبشر کاشانی: اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، می تواند به اندازه ای که از مریض شدن یا مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد و روزه او صحیح است، لکن اگر روزه او مثل روزه رمضان واجب بوده در صورتی که در طول سال بتواند، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید ولی اگر هر وقت روزه بگیرد دچار چنین حالتی شود، قضای آن واجب نیست. (رسالة توضیح المسائل، مسأله ۱۴۶۴) و این غیر از حکم مسأله ۱۶۰۶ است که معظم له بیان فرموده اند. (یعنی انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد که در این صورت روزه بر او واجب نیست.)

۵. آیه الله شبیری خاقانی: اگر تشنگی بر روزه دار غالب شود و بترسد که از صبر بر تشنگی ضرر وارد شود یا حرجی باشد، جایز است که به مقدار ضرورت بیاشامد و بنا بر احتیاط بیشتر از مقدار ضرورت بیاشامد تا با آن روزه اش باطل گردد. و بنا بر احتیاط بر او واجب است که در باقی مانده روز از چیزهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید، اگر در ماه رمضان باشد. و اما در غیر رمضان از روزه واجب موسع یا معین پس امساک در آن واجب نیست. (ترجمه منهاج الصالحین، ج ۱، مسأله ۱۰۰۶)

۶. آیه الله منتظری: اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد و یا زیان غیر قابل تحملی به او برسد، واجب است به اندازه ای که از مردن یا از آن زیان رها می شود آب بیاشامد؛ ولی [به احتیاط واجب] روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید؛ و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را

هم بگیرد. (رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۴۵۸) [البته ایشان در کتاب «الأحكام الشرعية على مذهب أهل البيت عليهم السلام» در مسأله ۱۶۴۰ فتوا به وجوب قضا داده‌اند. ولی ظاهراً آنچه در توضیح المسائل آمده است مطابق با آخرین نظر ایشان است.] و این غیر از حکم مسأله ۱۵۸۳ رساله توضیح المسائل ایشان است. (شخصی مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود).

■ و اما دو روایت مورد استناد در فتوای اخیر که از امام صادق ۷ نقل شده است:

الف) روایت «عمار ساباطی» با کمی اختلاف در عبارات:

۱. «فِي الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْعَطَشُ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ، قَالَ: يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرَوَى» (تهذیب الأحكام، طوسی،

ابو جعفر محمد بن حسن، ج ۴، ص ۲۴۰، ح ۷۰۲ * من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، ج ۲، ص ۱۳۳، ح ۱۹۴۸ * لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی اصفهانی (مجلسی اول)، ج ۶، ص ۴۷۲ * ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی اصفهانی (مجلسی دوم)، ج ۷، ص ۱۱، ح ۹ * الوافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ج ۱۱، ص ۲۹۶، ح ۱۰۸۹۶ * عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ابن ابي جمهور، محمد بن زین الدین، ج ۳، ص ۱۴۵، ح ۴۶)

۲. «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ عَنِ الصَّائِمِ يُصِيبُهُ الْعَطَشُ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ قَالَ يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى

يَرَوَى» (تهذیب الأحكام، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۱۰۱۱ * ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی، ج ۷، ص ۱۶۴، ح ۷۹)

۳. «وَ قَدْ سَأَلَهُ عَنِ الصَّائِمِ يُصِيبُهُ عَطَشٌ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ، قَالَ: يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرَوَى» (علامه حلی،

حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (طبع جدید)، ج ۱، ص ۴۸۰، مسأله ۱۶۶۵ و منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۹، ص ۱۳۹)

۴. «فِي الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْعَطَشُ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ، قَالَ: يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ [بِهِ] رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرَوَى» (الکافی، کلینی،

محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۶ * وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۰، ص ۲۱۴، ح ۱۳۲۵۲ * مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۰۴، ح ۶)

ب) روایت «مفضل بن عمر»:

۱. «إِنَّ لَنَا فِتْيَاتٍ وَ شَبَابًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الصِّيَامِ مِنْ شِدَّةِ مَا يُصِيبُهُمْ مِنَ الْعَطَشِ قَالَ: فَلْيَشْرَبُوا بِقَدْرِ مَا تَرَوَى بِهِ نُفُوسَهُمْ وَ مَا

يَحْدُرُونَ» (الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۷ * الوافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ج ۱۱، ص ۲۹۶، ح ۱۰۸۹۷ * تفصیل

و مسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۰، ص ۲۱۴، ح ۱۳۲۵۳ * مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۶، ص ۳۰۵، ح ۷)

۲. «إِنَّ لَنَا فِتْيَانًا وَ بَنَاتٍ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الصِّيَامِ مِنْ شِدَّةِ مَا يُصِيبُهُمْ مِنَ الْعَطَشِ قَالَ: فَلْيَشْرَبُوا مَقْدَارَ مَا تَرَوَى بِهِ نُفُوسَهُمْ وَ مَا

يَحْدُرُونَ» (تهذیب الأحكام، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ج ۴، ص ۲۴۰، ح ۷۰۳ * ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی، ج ۷، ص ۱۲، ح ۱۰)

* سید عبد الأعلى سبزواری در مورد روایت عمار و مفضل می‌گوید: «أنتهما فی العطش العارض لا ذو العطاش إلا أن يدعى

القطع بعدم الفرق بينهما، و عهدة إثباته على مدعيه.» (مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۰، ص ۲۵۱)

* مقدس اردبیلی در مورد روایت مفضل می‌گوید: «إِنَّ الظَّاهِرَ عَدَمَ الْقَضَاءِ لِعَدَمِ الدَّلِيلِ وَ لِعَدَمِ ظُهُورِ بَطْلَانِ الصُّومِ، بَلِ الظَّاهِرُ

أَنَّ الصُّومَ فِي حَقِّهِمْ ذَلِكَ.» (مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۵، ص ۳۲۶)

* به نظر اینجانب به قرینه «لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرَوَى» و «بِقَدْرِ مَا تَرَوَى بِهِ نُفُوسَهُمْ» - که نهی از سیراب شدن است - مراد تشنگی

عارضی (عطش) است نه بالدوام (عطاش)؛ و إلا این قیود در روایت چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. و سکوت امام ۷ از

عدم بیان قضا و فدیة در هر دو روایت با وجود تصریح سائل به صائم بودن این افراد، دلیل دیگری است بر اینکه این یک

حکم اختصاصی برای افرادی است که مبتلا به بیماری تشنگی بالدوام نیستند. و اگر اشکال شود بر فرض جواز آشامیدن آب

به قدر ضرورت، حکم به بطلان روزه ضروری است و نیاز به گفتن امام 7 ندارد! می‌گوییم صرف خوردن و آشامیدن موجب بطلان نمی‌شود همانطور که در سهو و نسیان به صحت حکم می‌شود. و دیگر اینکه فقها در صحت و یا بطلان روزه کسی که عمداً اخلاط سر و سینه را - وقتی وارد فضای دهان می‌شود - فرو می‌برد و یا آمپول تقویتی و خوراکی تزریق کرده، اختلاف کرده‌اند. و وجه این اختلافات، یکی به جهت اختلاف در صدق اکل و شرب در دو مورد ذکر شده است و دیگر اینکه آیا هر نوع خوردنی و آشامیدنی ولو اینکه از راه دهان نباشد مورد نهی شارع مقدس است یا نه؟

* حمل روایت مفضل به حکم روزه تمرینی برای صغار نیز ادعایی بیش نیست و با دقت در متن روایت، بطلان این مطلب برای اهل فن به وضوح روشن است.

■ فقهاء برای کسی که به بیماری تشنگی دچار شده است و باید در طول روز آب بیاشامد - که در این صورت روزه از او ساقط است هر چند از نظر مقدار فدیة یا عدم آن و قضا یا عدم آن اختلاف دارند - به سه روایت ذیل استناد کرده‌اند:

۱. «... مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7 فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ) قَالَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَشُ وَ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ (فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا) قَالَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ عَطَشٍ» (الكافي، كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب، ج 4، ص 116، ح 1 * تهذيب الأحكام، طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، ج 4، ص 237، ح 695 * وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، ج 10، ص 210، ح 13242 * محمد باقر مجلسي، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول : ج 16، ص 301، ح 1 و در ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج 7، ص 6، ح 2) تذکر: شيخ صدوق در «المقنع، ص 194»، روایت فوق را به صورت «الَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَشُ» و «مَرَضٍ أَوْ عَطَشٍ» آورده است.

۲. «... مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ 7 يَقُولُ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الَّذِي بِهِ الْعَطَشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ لَا فِضَاءَ عَلَيْهِمَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِمَا.» (الكافي، كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب، ج 4، ص 116، ح 4 * من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج 2، ص 133، ح 1947 * طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج 2، ص 104، ح 338 و در تهذيب الأحكام، ج 4، ص 238، ح 697 * محمد باقر مجلسي، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول : ج 16، ص 303، ح 4 و در ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج 7، ص 8، ح 4 * مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوري، محدث، ميرزا حسين، ج 7، ص 388، ح 8491 * وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، ج 10، ص 209، ح 13240) تذکر: برخی منابع از جمله علامه مجلسي در «بحار الأنوار، ج 93، ص 320، ح 7» به نقل از تفسير عياشي، بجای «بِمُدٍّ» در روایت فوق «بِمُدِّينَ» آورده‌اند.

۳. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ) قَالَ: الَّذِينَ كَانُوا يُطِيقُونَ الصَّوْمَ فَأَصَابَهُمْ كِبَرٌ أَوْ عَطَشٌ أَوْ شِبْهُ ذَلِكَ فَعَلَيْهِمْ لِكُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ.» (الكافي، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، ج 4، ص 116، ح 5 * وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، ج 10، ص 211، ح 13245 * مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول : ج 16، ص 303، ح 5) مجلسي، ج 16، ص 303، ح 5)

تذکر: علامه محمد باقر مجلسي در «ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج 7، ص 6» به نقل از «تفسير مجمع البيان» و شيخ حر عاملي در «هداية الأمة إلى أحكام الأئمة : - منتخب المسائل، ج 4، ص 228، ح 49»، «كِبَرٌ أَوْ عَطَشٌ» آورده‌اند.

تذکر: از آنجا که اجماع فقها در سقوط روزه از شخص مبتلا به مرض تشنگی مستند به سه روایت اخير است به آن «اجماع مدرکی» می‌گویند.

تذکر ۱: در منابع روایی تصریح به «ذی العُطاش» یا «ذو العُطاش» نشده است و این تعبیر اصطلاحی است که علما از: «یصیبه العطش»، «یصیبهم من العطش»، «یصیبه العطاش»، «الذی به العطاش»، «الذی یأخذهُ العطاش» و «صاحبُ عطش» که در متون روایی آمده است، اتخاذ کرده‌اند.

تذکر ۲: در منابع روایی برای کسی که به تشنگی شدید و بالدوام دچار شده است از لفظ «استسقاء» استفاده نشده است و این نیز از تعابیری است که علما و برخی از لغت نویسان برای کسی که زیاد آب می‌خورد و عطش فوق العاده‌ای احساس می‌کند به کار برده‌اند. و آنچه در روایات آمده «صلاة الإستسقاء» و «غسل الإستسقاء» به جهت طلب نزول باران است. و آنچه در باب صوم در منابع روایی آمده است لفظ «عطش» و «عُطاش» است. و «عُطاش» را «شدید العطش» یعنی کسی که بیماری تشنگی دارد که هر چه آب می‌خورد رفع عطش نمی‌شود، معنا کرده‌اند. ولی «عُطاش» (تشنگان) بنا بر آنچه در بین اهل لغت معروف است جمع «عُطشان» است. البته علامه محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) در «روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۲» چنین آورده است: «العُطاش» بالكسر بمعنی العطشان علی حذف المضاف أي عطش العطاش أو جاء بمعنی العطش و إن لم یذكره أهل اللغة.

■ و اما اینکه آیه الله بیات زنجانی از روایت عمّار به عنوان روایت «موثّقه عمّار» یاد کرده‌اند امر پسندیده‌ای است و بسیاری از فقها نیز در کتب فقهی خود از آن به عنوان روایت «موثّق» یاد کرده‌اند؛ هر چند غالباً در زمان اتخاذ رأی، آن را به روایت «محمد بن مسلم» و «ابن بکیر» ملحق کرده‌اند؛ گرچه اینجانب این الحاق را صحیح نمی‌دانم. نتیجه آنکه در اصل موثّق بودن روایت با هم چندان اختلافی ندارند. فقهایی که ذیلاً با ذکر نام کتابشان مرقوم می‌شود روایت مورد استناد در فتوای اخیر (روایت عمّار ساباطی) را «موثّق» می‌دانند.

علامه محمد تقی مجلسی (روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه)، علامه محمد باقر مجلسی (ملاذ الأخیار فی تهذیب الأخبار * مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول)، محمد آصف محسنی (الفقه و مسائل طبیّه)، سیّد محسن طباطبایی حکیم (مستمسک العروة الوثقی)، میرزا محمد تقی آملی (مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی)، سیّد ابوالقاسم خوبی (المستند فی شرح العروة الوثقی)، سیّد عبد الأعلى سبزواری (مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام)، میرزا جواد تبریزی (تفیح مبانی العروة - کتاب الصوم)، فاضل لنکرانی (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الصوم و الاعتکاف)، شیخ جعفر سبحانی (الصوم فی الشریعة الإسلامیة الغراء)، محمد اسحاق قیاض (تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی)، حسینعلی منتظری (کتاب الصوم)، خوانساری «رضی الدین بن آقا حسین بن محمد» (تکمیل مشارق الشّمس فی شرح الدّروس)، سیّد محمد سعید طباطبایی حکیم (مصباح المنهاج - کتاب الصوم)، محقق سبزواری «محمد باقر بن محمد مؤمن» (ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد)، میرزای قمی (غنایم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام)، ملا احمد نراقی (مستند الشیعة فی أحکام الشریعة).

و از فتوای علامه حلی و دیگران، راجع به این مسأله، نظرشان به این روایت معلوم می‌شود.

■ و اما روایت «مفضّل بن عمر»:

۱. علامه محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) در کتاب «لوامع صاحبقرانی» این روایت را «کالصّحیح» دانسته است.
۲. سیّد محمد سعید طباطبایی حکیم در کتاب «مصباح المنهاج - کتاب الصوم» این روایت را «معتبر» دانسته است.
۳. سیّد محسن طباطبایی حکیم در کتاب «مستمسک العروة الوثقی» این روایت را «مجهول» می‌داند.

۴. علامه محمد باقر مجلسی (مجلسی دوم) در کتاب «ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار» این روایت را «مجهول» دانسته و در «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول»: «می گوید بنا بر مشهور «ضعیف» است.

۵. سید تقی طباطبایی قمی در کتاب «الدلائل فی شرح منتخب المسائل» و «الغایة القصوی فی التعلیق علی العروة الوثقی» بخاطر وجود «اسماعیل بن مزار» در متن روایت، می گوید سند آن ضعیف است و اعتباری ندارد.

تذکر: بسیاری از فقها در مقام استدلال، در کنار روایت عمار به روایت مفصل نیز استناد کرده اند و متعرض سند روایت مفصل نشده اند.

■ و اما چند جمله خطاب به آیه الله مکارم شیرازی مرقوم می شود:

حضرتعالی به تمسخر فرمودید: «در این صورت کافی است که روزه داران کوزه ای آب در کنار خود قرار دهند و هرگاه تشنه شدند، برای رفع تشنگی بنوشند! در این صورت باید پرسید اگر کسی روزه دار باشد و چند لیوان آب بخورد این چگونه روزه داری است!»

جواب: آیه الله بیات زنجانی و دیگر فقهایی که این حکم را بیان کرده اند هرگز نگفته اند روزه دار به محض احساس تشنگی می تواند آب بیاشامد که حضرتعالی فرمودید: «کوزه به دست بگیرند» بلکه گفته اند: زمانی مجاز است که تحمل آن مشکل باشد؛ یعنی زمانی که به عسر و حرج برسد و إلا تشنگی معمولی بر همه روزه داران کم و بیش عارض می شود. خدای متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ ...) «سوره حجرات، آیه ۱۱»

حضرتعالی فرمودید: «در این فتوا استناد به روایتی شده که هم از نظر سند و هم از نظر دلالت زیر سؤال است و اگر هم فرض بر صحّت حدیث باشد در میان فقها، احدی چنین فتوایی نداده است و این گفته خلاف اجماع فقهای اسلام است و بالا تر از آن احتمال دارد خلاف ضرورت دین باشد.»

جواب:

۱- در مورد سند روایت، ثابت کرده ایم که روایت مورد استناد، به تصریح اکثر فقها موثق می باشد؛ إلا اینکه در نحوه استدلال اختلاف است و دلالت آن را نیز توضیح داده ایم.

۲- در مورد اینکه فرمودید: «احدی از فقها چنین فتوایی نداده»، خلاف ادعای حضرتعالی را ثابت کرده ایم.

۳- فرمودید: «این گفته خلاف اجماع فقهای اسلام است»؛ ما عدم اجماع را ثابت کرده ایم. حضرتعالی در «تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۷۰ و ۷۱» که با همکاری برخی محققان نوشته اید در وجوب یا استحباب سکوت در هنگام قرائت قرآن در تفسیر آیه ۲۰۴ سوره اعراف به «استحباب» آن قائل شده اید و برخی روایات وارد شده و اجماع و اتفاق علما را دلیل بر این نظریه دانسته اید؛ ولی پس از تحقیق دقیق عدم اجماع را در جای خود اثبات کرده ایم.

۴- فرمودید: «احتمال دارد خلاف ضرورت دین باشد». بر اساس روایات وارد شده و فتوایی که از علما نقل کرده ایم ثابت شد که این حکم خلاف ضروری دین نیست. بلکه حضرتعالی در مسأله ۱۳۴۳ توضیح المسائل «خلاف ضروری دین فتوا داده اید» با این توضیح که:

در مسأله ۱۴۶۴ رساله توضیح المسائل شما آمده است: «کسی که می‌داند روزه برای او ضرر دارد باید روزه را ترك کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، همچنین اگر یقین ندارد اما احتمال قابل توجهی می‌دهد که روزه برای او ضرر دارد، خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طیب.»

ولی در مسأله ۱۳۴۳ آورده‌اید: «اگر روزه‌دار به اندازه‌ای تشنه شود که طاقت تحمل آن را ندارد و یا ترس بیماری و تلف داشته باشد، می‌تواند به اندازه ضرورت آب بنوشد، ولی روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان باشد باید بقیه روز را امساک کند.»

ظاهراً مسأله ۱۳۴۳ با ۱۴۶۴ منافات دارد؛ زیرا در مسأله ۱۴۶۴ می‌فرمایید: «اگر روزه‌دار احتمال قابل توجهی بدهد که روزه برایش ضرر دارد باید روزه را ترك کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.» ولی در مسأله ۱۳۴۳ می‌فرمایید: «اگر ترس بیماری و تلف داشته باشد، می‌تواند به اندازه ضرورت آب بیاشامد.» در صورتی که ولو قائل به بطلان روزه در این حالت باشید، صحیح آن است که بفرمایید «باید» به اندازه ضرورت آب بیاشامد؛ زیرا کلمه «می‌تواند» معنای جواز می‌دهد نه وجوب. [البته برخی دیگر نیز در رساله توضیح المسائل خود دچار همین اشتباه شده‌اند و در مقابل بسیاری دیگر صحیح حکم فرموده‌اند.] و در پایان از فقیهی چون شما بعید به نظر می‌رسید در جمعی که اکثر آن را عوام تشکیل می‌دادند به گونه‌ای غیر فنی بخواهید دیگری را ضربه فنی کنید! و مقتضای عدالت آن است که این اشتباه توسط شخص جنابعالی تصحیح شود.

■ و اما چند جمله خطاب به حجّة الإسلام دکتر محمد مهدی گرجیان معاون پژوهشی دانشگاه باقرالعلوم 7 مرقوم می‌شود: جنابعالی فرمودید: «این فتوا، خرق اجماع کل علمای عالم اسلام است ... چون نه علمای شیعه و نه علمای سنی تاکنون چنین اظهار نظری نداشتند ... لذا این قول هیچ سندیتی ندارد و اگر سندیتی داشت در طول تاریخ یکی از علمای شیعه و سنی به چنین قولی قائل می‌شد.»

جواب: بخشی از جوابهای اینجانب به آیه الله مکارم شیرازی متوجه جنابعالی نیز هست. هر شخص خوش انصافی اگر مدارک، مستندات و توضیحاتی را که اینجانب ارائه کرده‌ام با دقت بخواند متوجه می‌شود که حرف‌های جنابعالی بدون کمترین تحقیقی مطرح شده است. به راستی شما چگونه نظرات عامه و خاصه را در طول تاریخ بررسی کرده‌اید که اینگونه قاطعانه و بدون کارشناسی اظهار نظر نموده‌اید؟! متأسفانه خیلی از اجماعات ادعا شده در مسائل گوناگون فقهی و اعتقادی از همین دسته است؛ یعنی گروهی بدون کمترین تحقیقی به استناد گفته یک یا چند نفر که مثلاً در فلان کتاب خود ادعای اجماع کرده‌اند، اتخاذ رأی می‌کنند که به مرور زمان «ضروری دین» تلقی شده و منکر آن رومی و تکفیر می‌شود. جنابعالی فرمودید: «ممکن است کسی بخواهد حرف جدیدی بزند تا دیگران بگویند او نوپرداز است؛ و معروف شوم، به تعبیر آیه الله فاضل لنکرانی قول مخالف بگو تا معروف شوی، اگر این گونه باشد بحث مبنای دینی ندارد ...»

جواب: اگر شخصی حرف جدیدی زد إلزاماً به این معنی نیست که می‌خواهد معروف شود (کما اینکه در طول تاریخ از علمای بزرگی که در تقوا و علمیتشان شکی نیست مطالبی نقل شده است که دیگران با آن قول مخالفند)؛ زیرا اگر این قول مستند به قرآن کریم و کلام معصومین : باشد ولو اینکه ظاهراً جدید باشد، قابل قبول است مگر اینکه دیگری بتواند به نحوه استدلال او خدشه وارد کند و بهتر از این قول را بیاورد: (... فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) «سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸». در واقع این فهم ماست که رو به کمال است؛ به این معنی که این حکم و مطالب به ظاهر جدید قبلاً توسط شارع مقدس بیان شده بود ولی چون آن را به دقت مورد بررسی قرار ندادیم و

در آن بدون پیش فرض تفکر نکرده‌ایم تازه و جدید به نظر می‌رسد. لذا بهتر است بدون تحقیق به کسی تهمت نزیم که این نظریه یا فتوا به جهت معروف شدن است. حضرت امام صادق 7 می‌فرمایند: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَا الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ» (وسائل الشیعة، ح ۱۶۳۵۹)

جنابعالی چنین فرمودید که فتوای آیه الله بیات زنجانی قیاس حکم «ذی العطاش» با این حالت است که قیاس ابوحنیفه می‌باشد و به فرموده امام صادق 7 قیاس ابلیس است.

جواب: در سطرهای پیشین اثبات کردیم که روایت «عمّار و مفضل» غیر روایت «محمد بن مسلم و ابن بکیر» است بنابراین در اینجا هیچگونه قیاسی صورت نگرفته است.

و اما مختار اینجانب بناءً على التّحقیق: يجب على الصّائم إذا غلب عليه العطش بحيث لا يقدر على تحمّله حتّى يخاف أن يصيبه الضّرر أو التّلف، شرب الماء بقدر الضّرورة و لا قضاء عليه. و لا يحتاج الرجوع إلى غير لإثبات الموضوع فى هذا الحكم بمعنى المشار إليه؛ إذ الموضوع هنا ليس موضوعاً خارجياً بل هو حسّى وجدانىّ فلذا تشخيص الموضوع على الشّخص الذى مبتلى به و لا غيره. والله العالم.

و السّلام عليكم و رحمة الله و بركاته

قم المقدّسة - العبد الفانى: على چراتیان

۱۳۹۲ / ۴ / ۳۰